

نفوذ هنر

و صنعت

شاهنشاهی ایران

در فنون اسلامی

دکتر محسن شاملو

بین سالهای ۵۳۹ - ۵۲۹ پیش از میلاد مسیح سرزمین‌های بابل، سومر و اکد بدست کوروش شاهنشاه ایران گشوده شد و طبق فرمان این پادشاه اقوام و ملل از بردگی و بندگی رهایی یافتند، ادیان و مذاهب آزادگشت، معابد بسته باز شد، خدایان به پرستشگاههای خود بازگشتند و عدل و نصفت در بخشی از دنیای متمدن آن روز بدست ایرانیان پایه‌گذاری گردید.

کوروش در منشور (۱) خود چنین جملی گوید: *معلم انسان*

۱- استوانه کوروش که در حفاریات بابل بدست آمده است به خط میخی می‌باشد در بخش اسلامی موزه بریتانیا «British Museum» نگاهداری می‌شود، هر چند قسمتی از این استوانه شکسته و آسیب دیده است معذک قسمتهای اساسی آن باقی است، باستان‌شناسان طی سالیان دراز متن استوانه را خوانده و مفهوم آنرا دریافته‌اند. این استوانه شامل دو اعلامیه است که هنگام اقامت کوروش در بابل تدوین یافته است، یکی از طرف کوروش و دیگری از طرف کاهنان و روحانیون.

مفاد اعلامیه روحانیون چنین است:

«... بک سطر ریخته است... (گک) و شاهان (جهان) ... مردی بعنوان (انو) کشورش گمارده شده است... وی تنها تندیس‌های راستین خدایان را... از تختهایشان ربود، تندیس‌های ساختگی را بفرمود تا بر آنها نهند، ساختگیهایی از بتخانه از اگیل ... برای (اور) و دیگر شهرهای مقدس پرستش نابجا.. روزانه وی را به ناروا خوانند، او آیین قربانی همیشگی را به شیوه‌های دیوآسا گسیخت و... کرد... در شهرهای مقدس داشت، پرستش خدای مردوک پادشاه خدایان را به شیوه‌ای دیگر بازشتی بی‌الود هر روز کارهای دیوآسایی بر ضد شهر او رکرد، اوسا کنان آن را به بی‌کاری گرفتن و آسایش ندادن ناخرسند کرد، کار همه را زار ساخت، چون فریاد دادخواهی آنان برخاست سرور خدایان بی‌اندازه خشمگین گشت و سرزمینشان را رها کرد و خدایان دیگر هم که میان آنها زندگی می‌کردند، خانه‌هایشان را گذاشتند و گذشتند ... الخ»

« من نیازمندیهای بابل و همه پرستشگاههای آن را در نظر گرفتم و در بهبودی وضعشان کوشیدم ، من یوغ ناپسند مردم بابل ... را برداشتم، خانههای ویران آنان را آباد کردم، من به بدبختیهای آنان پایان بخشیدم، مردوک خدای بزرگ از کردارم خشنود شد و من « کوروش شاه » که او را ستایش کردم و به کمبوجیه فرزندم که از تخمه من است و به تمام سپاه من برکت ارزانی داشت و از صمیم قلب مقام شامخ او را بسی ستودم، تمام شاهانی که در پارکگاههای خود بر تخت نشسته‌اند در سراسر چهار گوشه جهان از دریای زبرین تا دریای زیرین کسانیکه در ... مسکن داشتند تمام شاهان سرزمین باختر که در خیمه‌ها مسکن داشتند مرا خراج‌گران آوردند و در بابل برپایم بوسه زدند، از ... تاشهرهای « آشور » و « شوش » و « آکاده » و « اشوناه » و شهرهای « زمیان » و « مورنو » و « در » تا ناحیه سرزمین « گوتیوم » شهرهای مقدس آنسوی دجله را که مدتی دراز پرستشگاههایش دستخوش ویرانی بود تعمیر نمودم و پیکره خدایانی را که جایگاه آنها در میان آنان بود بجای خودشان بازگرداندم و در منزل لگاهی پایدار جادادم، من همه ساکنان آنها را گرد آوردم و خانه‌هایشان را به آنان باز پس دادم و خدایان سومر و اکد که « نبوئید » آنها را به بابل آورده و خدای خدایان را خشنک ساخته بود من بخواست « مردوک » خدای بزرگ به صلح و صفا بجایگاه پسندیده خودشان بازگرداندم باشد که تمام خدایانی که من در پرستشگاههایشان جای دادم روزانه سرا در پیشگاه « لعل » و « نبو » دعا کنند که زندگانی من دراز گردد و به « مردوک » خدای بزرگ بگویند کوروش پادشاه که ترا گرامی میدارد و فرزندش کمبوجیه ... باشد ... »

رشد صنعت و هنر در ایران باستان

کوروش طی سی سال سلطنت (۵۵۹ - ۵۲۹ ق م) سرزمین ایران را از شمال و جنوب، باختر و خاور گسترش داد و شاهنشاهی هخامنشی را بوجود آورد.

با تاسیس دولت هخامنشی و تشکیل شاهنشاهی ایران، ایرانیان توانستند در رشته صنعت و هنر یوغ و اصالت خود را آشکار سازند و در رشته‌های مختلف تزیین و شبیه سازی، مجسمه سازی، سفالگری و کاشی سازی، نقاشی، معماری، فلزکاری، قالی و زری بافی آثار جاودان بجای گذارند.

از آثار هنری ایران که از ادوار گوناگون بجای مانده است میتوان به تمدن و فرهنگ مردم این سرزمین پی برد و خصوصیات روحی، اجتماعی و اقلیمی ساکنان هر ناحیه را بررسی کرد.

در رشد و توسعه هنر و صنعت ایران توجه و حمایت شاهنشاهان نقش مهمی ایفاء مینموده است و بنا بگفته «گردن چایلد» علاقه و اشتیاق شاهان ایران به صنعت و هنر سرزمین جان تازه داده است.

نکته‌ای که از بررسی و مطالعه آثار هنری ایران روشن می‌شود اینست که «تداوم» چه از نظر مفاهیم کلی و چه از حیث امور جزئی از پایه‌های اصلی بسط و گسترش هنر ایران بوده است و دید کلی، هر چند در طول قرون و اعصار تغییر یافته است لیکن، معیارها و مبانی هنری درباره هدف و ذات هنر، همواره، یکی بوده و تفاوتی نکرده است.

هنر ایران در دوران هخامنشیان و ساسانیان با هنر ایرانی اسلامی که در زمان صفویان به اوج تجلی رسیده است پیوندی ناگسستنی و رابطه‌ای محکم دارد که نمیتواند از انگاره‌های کلی هنری خارج باشد.

در برقراری پیوند و ادامه تداوم (۱) هنری نکته حائز اهمیت انتقال سنت‌ها از نسلی به نسلی

۱- هانری ماسه ایرانشناس فرانسوی در مقدمه کتاب « تمدن ایرانی » چنین مینویسد.

تمدن ایرانی بصور گوناگون و بتجوی مداوم و مستمر در طول قرون متمادی تجلی دارد و برخلاف تمدن سرزمینهای دیگر که پیوند خود را با گذشته قطع کرده‌اند در ایران تمدن همواره با تداوم همراه بوده است و بهمین علت این تمدن یکی از غنی‌ترین و اصیلترین تمدن‌های جهان است.

دیگر است که بطور مداوم بیش از ۲۵ سده انجام گرفته است و نفوذ عقاید مذهبی و برخورد اندیشه‌ها اگر چه تصرف و تغییر جزئی بوجود آورده است لیکن مبانی و اصول هنری را از بین نبرده است. بنابراین رشد متکی بر اصلی که در تمام مظاهر ثابت مانده است به تداوم سنت هنری کمک کرده و هنر این سرزمین را با وجود آنکه، در طول تاریخ پرفراز و نشیب، در نوسان و تغییر بوده است، بی آنکه بیوند با گذشته را بگسلد و فراموش کند، از وحدت و یگانگی خاص برخوردار ساخته است. از نظر ارزش و اهمیت هنر منطقه‌ای، هنر ایران را باید در ردیف هنر سرزمین‌های یونان، روم، مصر قرار داد و آنرا در دوران تمدن آسیا که گاه سراسر آسیای غربی و اروپای شرقی را فرا گرفته است جستجو و بررسی نمود.

کنت دو گوینو *Conta de Gobineau* در کتاب «سه سال در آسیا» (۱) میگوید:

«سرچشمه همه چیز در آسیاست» به عبارت بهتر، «غریزه آسیایی، دین،

فلسفه، شعر و هنر جهان را دربر گرفته است و اگر این غریزه وجود نمی‌داشت

اکنون چیزی برای تجزیه و تحلیل و بررسی و مطالعه وجود نداشت.»

نکته‌ای که در بررسی معیارهای هنری نباید فراموش شود اینست که جنبش‌های هنری خالی از تائر

نیست و همچنانکه نفوذ هنر یونان یا خاور دور در هنر ایران مشهود است، اثر هنر ایران هم در هنر این دو منطقه بچشم می‌خورد.

گذشته از مرحله تائیر و تائر که زاینده تحولات اجتماعی و مربوط به عوامل سیاسی و اقتصادی است

خصوصیات اقلیمی در شکل‌دادن به هنر ایران، به آن شدت که بتواند اشتراك فرهنگی مردم این سرزمین را تحت الشعاع قرار دهد، نافذ و موثر نبوده است و تنوع قومی و تعدد لهجات و تغییر سرحدات در ایجاد

«وحدت فرهنگی» و «هنر منطقه‌ای» تائیر زیاد نداشته است. *فرهنگی*

انگیزه‌های هنری - در خلق آثار هنری انگیزه‌های گوناگونی را به عنوان تکیه‌گاه‌های اصلی هنر ایران میتوان معرفی نمود.

مذهب، مذهب همواره سایه‌گستر هنر و الهام بخش هنرمندان ایران بوده است و ابتدای حیوة هنر با اندیشه‌های مذهبی گرفته است.

شعر، بین شعر و هنر پیوندی ناگسستنی و رابطه‌ای استوار وجود دارد. افکار شاعرانه در خلق تصاویر و صور و احساسات لطیف در ایجاد آثار هنری اثر فراوان داشته است.

ریاضیات، تفکرات ریاضی مایه اصلی بسیاری از طرح‌های هنری و موجب تائر روش و سبک کار هنرمندان است.

1- *Trois ans en Asie, Paris 1923*

تاثیر و تاثر هنری - ایران در مرکز و کانون فرهنگ آسیا (۱) قرار داشته است و از این رو با تمدن ملل بزرگ در تماس بوده است، وجود چنین موقع و مقامی ایجاب میکند که از افکار و اندیشه‌های دیگران متأثر شود و عقاید و آرای را بدیگران عرضه نماید.

نفوذ ایران در هند در زمان هخامنشیان و ساسانیان و تاثر تمدن ایران از فرهنگ یونان در سده ۴ و ۵ پیش از میلاد مسیح نمونه‌ای از تاثیر و تاثر هنری در این سرزمین است.

ایرانشناس شهیر، دکتر ویلسون در کتاب «تاریخ صنایع ایران» تاثیر ایران را بر روی هنر و صنعت سرزمینهای آسیایی و اروپایی بیش از تاثیر ایران از فرهنگ و تمدن ملل دیگر میداند و «رنه گروسه» ایرانشناس دیگر در کتاب «روح ایران» درباره تاثیر و تاثر هنری چنین می‌نویسد:

«ایران در مرکز تمدن و فرهنگ شرق و غرب قرار گرفته است، از چین تا یونان از یونان تا کناره‌های اطلس، در ادوار گوناگون به اخذ و توزیع مظاهر تمدن اشتغال داشته است و آنچه را که از نفوذ ایران در فرهنگ جهان میتوان دید، با آنکه بسیاری از آن هنوز کشف نشده است، بیش از تاثیری است که تمدن شرق و غرب بر روی فرهنگ ایران داشته است. هنر و صنعت ژاپن در سده هشتم میلادی تقلیدی از هنر دوران ساسانی است نمونه این تاثیر را در نقاشی، بافت پارچه و ساخت سرامیک و کاشی میتوان دید.

گنجینه ژاپنی «شوسوئین» (۲) در «نارا» که یکی از موزه‌های ارزنده این کشور است بیش از هر فرهنگی از فرهنگ ایران متأثر است و آثار هنری آن معرف نفوذ این سرزمین در تمدن دنیای شرق میباشد.»

هانری ماسه ایرانشناس فرانسوی در کتاب «تمدن ایرانی» توسعه نفوذ هنری ایران را چنین توصیف می‌کند:

«فرهنگ و هنر ایران در سرزمینی پهناور نفوذ داشته است، حدود جغرافیایی این نفوذ سرزمینهای هند، چین، آسیای مرکزی، آسیای غربی و قسمتی از اروپا را دربر گرفته است، نمونه این نفوذ را در ادوار مختلف تاریخ میتوان جستجو کرد.»

۱- پرفسور آرتور الهام یوب در این باره در کتاب «بررسی هنر ایران» A Survey of Persian Art

چنین می‌نویسد:

بین ایران و شرق دور، همواره مبادلات تجاری برقرار بوده است، روش و سبک‌های مختلف هنرهای تزئینی بین این دو منطقه رد و بدل می‌شد، علاوه بر این فرهنگ ایران در مذهب بودائی تحول و تغییری ایجاد کرد زیرا این مذهب در راه سفر خود به چین از سرزمین ایران می‌گذشت و با اندیشه‌هایی که ریشه میتراایی «مهرپرستی» داشت توأم می‌شده همین امر رفته رفته موجب پیدایش کیش بنام امیدا Amida گردید.

۲- گنجینه «شوسوئین» توسط همسر «شومو» امپراتور ژاپن در سال ۷۵۶ میلادی در «نارا» گردآوری و

تاسیس شده است.

زمینه‌های فکری هنری - در قاره آسیا، سرزمین‌های ایران، چین و هند مهدپرورش انواع هنر بوده‌اند و از نظر خلق و اشاعه هنر سهم کاملاً مشخص دارند.

قاره اروپا، اگر چه در پذیرایی هنر، استعداد و نبوغ داشته است لیکن در خلق بسیاری از رشته‌های هنری بیای آسیا نمیرسد و سرزمین‌های یونان و روم با وجود ایجاد پاره‌ای از رشته‌های هنری نمیتوانند امتیازی بیش از ایران، چین و هند بدست آورند.

سرزمین مصر در قاره افریقا، از نظر هنری، جنبه خلاقیت دارد ولی سهم آنرا، در مجموع سطوح هنری، نمیتوان بیش از دیگران دانست.

پذیرش این نظر که زمینه‌های فکری هنری در دنیای کهن، با کمی نوسان، همسان بوده است بسیار مشکل است لیکن با توجه به عواملی که در خلق هنر و صنعت موثرند میتوان انگیزه‌های پیدایش و گسترش هر رشته از هنر و صنعت را در سرزمین‌های قدیم و در فرهنگ‌های کهن بدست آورد.

موقع جغرافیایی، نحوه زندگی، نیازهای اجتماع و جامعه ما پذیرش های اجتماعی را باید از انگیزه‌های اصلی پیدایش و گسترش هنر و صنعت دانست و در بین این عوامل برای نیروی فراگیری نیز مقامی والاد نظر گرفت.

نیروی فراگیری در پذیرش فرهنگ‌ها و آمیزش با تمدن‌های همجوار بهمان اندازه موثر است که افکار و اندیشه‌های خلاقه در پیدایش هنر و صنعت و بدون تردید در سرزمین‌هایی که این نیرو با نفوذ و گسترش بیشتری وجود داشته است همبستگی‌های هنری زیاده‌تری به چشم می‌خورد.

هر چند فراگیری‌های هنری تحت تاثیر خصوصیات ملی قرار می‌گیرند و هنر در انتقال از قومی به قوم دیگر دچار تغییر می‌گردد ولی رشد و باروری آن به شدت و ضعف هنر پذیری و هنر آفرینی مردمی بستگی دارد که هنر از مولد طبیعی خود بدان سرزمین سفر می‌کند.

بدون تردید چنین گیرایی و واگیرایی هنری در هر یک از مردم سرزمین‌های ایران، مصر، یونان، روم، چین و هند که سرزمین‌های اصلی خلق و آفرینش هنر بوده‌اند وجود داشته‌است و آثار آن در بازمانده‌های هنری بخوبی مشهود است.

شناخت انگاره‌ها و تعیین حدود هنر پذیری و هنر آفرینی اقوام و ملل کار مشکلی است لیکن بازیابی ابتکارات هنری هر یک از مردمی که هنری را از مردم دیگر فرا می‌گیرند دشوار نیست و با بررسی بازمانده‌های هنری به کم و بیش آن میتوان پی برد.

در بازمانده‌ها و آثار هنری ایران، اگر چه این تاثیر و تاثیر یافته می‌شود ولی هنر پذیری در پرتو هنر آفرینی قرار گرفته است و نوعی ابتکار که به آفرینش بیش از پذیرش گرایش دارد بچشم می‌خورد.

بنابراین با بررسی هر یک از انواع هنر ایرانی میتوان تا حدی درجه آفرینش و پذیرش آنان را باز شناخت و ذوق ایرانی را در گذرگاه هنر و صنعت دنیای کهن بازیافت.

هنر تزئینی - الهام از زیبایی و انعکاس آن بر آثار هنری از خصوصیات و ویژگیهای هنر مردم ایران است.

ایرانیان در ادوار گوناگون عشق به تزئین را حفظ کرده و در هنر خود نمایان و متجلی ساخته‌اند. هنر تزئینی که بر اساس زیبایی نقش و گویایی طرح، استوار است در بسیاری از آثار هنری مانند ساخت انواع سفال، کاشی، لوازم و وسایل فلزی، بافت قالی و پارچه دیده می‌شود و همچنین این هنر در ادوار مختلف زیباگر صنعت معماری بوده است و در بناهای دوره ماد (۷۰۸ - ۵۵۰ ق م) بر اثر ابتدائی بودن با تنوعی کمتر و در دوره هخامنشی (۵۵۹ - ۳۳۰ ق م) بعلاوه رشد و توسعه با تنوعی بیشتر جلوه‌گری می‌کند.

بی‌شک هنر تزئینی همچنانکه انواع هنر و صنعت را در برداشته است در قلمرو ادبیات نیز بی‌اثر نبوده است و «کاتها» نمونه‌ای از این زیبا پروری است و بدون تردید اگر کتب شعر و ادب ایران در آتش دیوانگی اسکندر نسیوخت امروز برای یافتن اثر هنر تزئینی در ادبیات این سرزمین اسناد مسلم دیگری وجود داشت.

انگیزه گرایش به هنر تزئینی را باید در اندیشه‌های مذهبی و پایه‌های اخلاقی ایرانی جستجو نمود، ایرانی جهان را مخلوق خدا میدانست و برای مخلوق خدا جز زیبایی و شادی صفتی تصور نمی‌کرد، نمونه‌ای از اندیشه‌های مذهبی ایرانیان را در نوشته داریوش میتوان یافت، داریوش پادشاه هخامنشی در کتیبه بیستون سخن خود را چنین آغاز می‌کند:

« اهورمزداه خدای بزرگی است، او که این سرزمین را آفرید، او که آسمان را آفرید،

او که مردم را آفرید، او که شادی را برای مردم آفرید ... الخ »

بنابراین ایرانی با چنین معتقداتی سعی می‌کرد که در هنر خود از زیبایی رخ برافکند و آفریده را همچنانکه خلق شده است بشناساند و مخلوق وی را زیبا نشان دهد.

در نزد هنرمندان این سرزمین شاهکار هنر آن بوده است که اشیاء مطابق طبیعت و ذاتشان که زیبا بودند نشان داده شوند و شادی آفرین باشند از اینرو توجه به هنر تزئینی روز بروز افزایش یافت تا آنکه انواع هنر و صنعت را در بر گرفت و از ایران فراتر رفت و به سرزمینهای مجاور راه یافت.

در هنر تزئینی، تجلی نقوش هنری بر نقوش طبیعی مقدمند زیرا رعایت تطبیق و تشابه با طبیعت دشوار بوده است و بدین سبب نقوش هنری پیش از آنکه نقوش طبیعی جلوه‌گر شوند به وجود آمده‌اند و در هر دو مرحله مرحله ابتدائی و تکاملی - عناصر طبیعی، حیوانی، گیاهی و انسانی انگیزه آفرینش هنر تزئینی و الهام بخش هنرمندان این سرزمین بوده است.

توسعه هنر تزئینی نه تنها خللی در آفرینش هنر اصلی فراهم نیاورد بلکه رونق خاص و جلوه دلنشین به انواع هنر بخشید و زیبایی و گیرایی را وارد صنعت و هنر کرد.

هنر تزئینی و زیباگرایی در بین مردم چین و هند و هنر آنان نیز وجود داشته است و شك نیست که واگیری، و فراگیری های پیش از هزاره دوم در تکامل آن موثر بوده است و پس از سیر تکاملی که در این دوره یافته است از آسیا به اروپا سرایت کرده و هنر مردم این سرزمین را متأثر نموده است.

هنر تزئینی در سفر به اروپا با نام استالاکتیت Stalactite جلوه گر می گردد و هر کجا که این واژه بچشم میخورد نوعی هنر تزئینی متوارد ذهن می شود.

توجه بیکی از مایه های هنر تزئینی که بدون تردید ذوق ایرانی در خلق و آفرینش آن موثر بوده است میتواند به این اندیشه که « این هنر از سرزمینهای دیگر به ایران سفر کرده یا از مدیترانه و یونان به ایران آمده است » پایان بخشد.

نزدیک به سه هزار سال است که شاخه ای از هنر تزئینی بنام « پیچ تزئینی » یا « هارپیچ » آرایشگر صنعت و هنر ایران است و در کنار صنعت فلز، کاشی، معماری و هنر نقاشی و مجسمه سازی بچشم میخورد.

نمونه های گوناگون این هنر در قصر کیاکسار پادشاه ماد در همدان و کاخ کوروش در بازار گاد و بنای تخت جمشید در استخر نمایانگر این حقیقت است که هنر تزئینی پیش از گشودن بابل، لیدی و مصر در ایران رواج داشته است و اگر معماری یونان و ساختمان های اکروپولیس (۱) آتن متأثر از هنر ایرانی نبوده است ایرانیان نیز در اندیشه های هنری از یونان و مدیترانه الهام نگرفته و تبعیت نکرده اند.

بنابر این هنر تزئینی به تنها از ایده فرهنگ هلنیستی (۲) نیست بلکه يك هنر اصیل ایرانی است که با گذشت زمان سیر تکامل یافته است و در مراحل مختلف ابتدائی و متوسطه و عالی و در ادوار پیش از اسلام و بعد از اسلام از زیباگرایی هنر ایرانی و ذوق هنرمندان این سرزمین برخوردار بوده است.

« ناتمام »

رساله جامع علوم انسانی

۱- Acropolis بمعنای « شهر بلند » است. چون یونانیان مانند ایرانیان شهرهای خود را در بلندی بنا می کردند از اینرو اکروپولیس می نامیدند لیکن اکروپولیس بطور مطلق به آتن اطلاق می شد که در ارتفاع ۸۰ متری قرار داشت.
۲- فرهنگ هلنیستی Hellenistic به فرهنگی اطلاق می شود که پس از فتوحات اسکندر و بسط سلطه یونان در کشورهای شرق و غرب از ترکیب عناصر فرهنگ های گوناگون به وجود آمد.